



چرا هنوز بعضی از مردم شیفته طالع بینی هستند؟

حتی در دنیای امروز، نامی چون نوسترادموس که امروز سالمرگ اوست همچنان بر سر زبان‌هاست؛ پیشگویی که قرن‌ها پیش زندگی می‌کرد اما تأثیرش هنوز در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و حتی محافل خانوادگی احساس می‌شود.

حتی در دنیای امروز، نامی چون نوسترادموس که امروز سالمرگ اوست همچنان بر سر زبان‌هاست؛ پیشگویی که قرن‌ها پیش زندگی می‌کرد اما تأثیرش هنوز در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و حتی محافل خانوادگی احساس می‌شود. به گزارش ایسنا، روزنامه خراسان نوشت: شهرت پیشگوهایی مثل نوسترادموس، تنها حاصل ادعاهای عجیب یا پیش‌بینی‌های خارق‌العاده نبود؛ بلکه نتیجه استفاده ماهرانه از ابزارها و ترفندهایی است که ذهن مخاطب را مجذوب و تسلیم می‌کند. نخستین و شاید مهم‌ترین فن این افراد، تولید رمز و راز و پوشاندن پیام‌ها در قالبی مبهم و چندپهلوی است؛ عباراتی که دامنه تفسیرشان باز است و هر کس می‌تواند آن‌ها را متناسب با دغدغه‌ها و رویدادهای روز اطراف خود معنا کند. پیشگوها معمولاً با اتکا به وضعیت‌های ناواضح و استفاده از کلمات یا سناریوهای کلی، پیش‌بینی‌هایی را مطرح می‌کنند که به نظر دقیق و شگفت‌انگیز می‌رسند، اما در واقع مثل لباس‌هایی اند که به تن هر موقعیتی می‌توان پوشاند. غیر از این نظریه اعداد بزرگ که توسط پژوهشگران علوم شناختی مطرح شده است، بیان می‌کند که اگر کسی تعداد زیادی ادعا یا پیش‌بینی مختلف مطرح کند، به طور تصادفی برخی از آن‌ها درست درمی‌آید و همین موارد درست، دستمایه عظیم‌تری برای شهرت آن فرد می‌شود.

چرا دنبال پیشگویی می‌رویم؟

نیاز انسان به قطعیت و دانستن آنچه پیش‌روست، بخشی جدایی‌ناپذیر از روان هر فرد است. دغدغه برای آینده، از عادی‌ترین اشکال نگرانی است و همین ترس از ناشناخته‌ها، افراد زیادی را به سمت جست‌وجوی پاسخ نزد پیشگوها می‌کشاند. احساس ناامنی، بحران‌های روانی و اضطراب درباره آینده، بستری مهیا برای پذیرش پیشگویی حتی گر بی‌پایه و مبهم باشد فراهم می‌کند. در این میان، چند خطای رایج ذهنی به کمک پیشگوها می‌آید: نخست، پدیده «سوگیری تاییدی» است؛ افراد عمدتاً به دنبال نشانه‌هایی هستند که باور یا نگرانی قبلی‌شان را تأیید کند، حتی اگر اطلاعات ضدونقیض در دسترس باشد. دوم، «توهم کنترل» است؛ تکیه بر پیشگویی، به فرد این احساس ساختگی را می‌دهد که می‌تواند مسیری از آینده را پیش‌بینی یا مهار کند تا آرام‌تر شود. سوم، ترکیبی از انواع «خطاهای شناختی» همچون حساسیت بیش از حد به یک اتفاق درست و بی‌توجهی به خطاهای پیشگو است. به تحقیقات نشان داده، افرادی که سطح مطالعه و سواد پایین‌تر و از طرفی اعتماد به نفس کمتری دارند، بیش از سایرین سراغ پیشگویی یا فال‌گیری می‌روند؛ چرا که چنین باورهایی، به ظاهر بخشی از نگرانی‌ها را برطرف می‌کند. در واقع اقبال ما به پیشگویی و فال‌گیری به خاطر حقیقت نیست و فقط برای آن است که روان‌مان را با توهم کنترل شرایط آرام کنیم.

چرا جامعه تشنه وعده‌های مبهم است؟

در هر جامعه‌ای که با بحران‌های فرهنگی، فشارهای اقتصادی، و چالش‌های اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند، گرایش عمومی به سوی پیشگویی و فال‌گیری موضوعی تصادفی نیست؛ بلکه بازتابی عمیق از نیاز جمعی به آرامش و امید در دوران تلاطم است. هر زمان که اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد و آینده فردی و جمعی مبهم می‌شود، واژه‌های مبهم پیشگوها مانند چراغی کم‌سو اما دلگرم‌کننده در ذهن بسیاری جلوه می‌کند. باور به پیشگویی نه تنها راه فراری از اضطراب فردی، بلکه نشانه‌ای از یک بحران اعتماد ساختاری در جامعه است. پیشگویی همزمان در لایه‌های مختلف فرهنگ عامه ریشه دوانده؛ از ضرب‌المثل‌هایی مثل «سالی که نکوست از بهارش پیداست» تا داستان‌ها و فیلم‌هایی که وعده دانستن آینده را رؤیایی جذاب نشان می‌دهند. پکیج فروش‌های اینستاگرامی که وعده میلیارد شدن به مخاطب‌شان می‌دهند در حقیقت از فرمول پیشگوها مبتنی بر استفاده از رنج و نگرانی مردم استفاده می‌کنند. خلاصه این روند حالا با حضور شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، شتابی تازه یافته است؛ موجی نو از پیشگوها با پوشش مدرن و زبان تأثیرگذار، بازار باور عمومی را داغ‌تر می‌کنند و چرخه اعتماد به خرافه را در مقیاسی بی‌سابقه بازتولید می‌کنند. موضوعاتی مثل قانون جذب، فرکانس کائنات و... هرکدام می‌خواهند وعده کنترل زندگی را به مخاطب‌شان دهند و عملاً نوعی پیشگویی با پوشش جدید هستند.